

تفسیری بر دعای ندبه (جلسه سیزدهم)

مقدمه

در جلسه‌ی پیش به اولین فراز از داستان اولیاء و پیامبران الهی در دعای ندبه، یعنی ماجرای حضرت آدم اشاره کردیم؛ گفتیم که شجره‌ای که حضرت آدم به آن طمع برد، شجره‌ی امامت بود. همین حسادت باعث تنبیه و هبوط (تنزل مقام و مکان) او و حوا گشت. خدا در آیه‌ی ۳۶ سوره‌ی بقره می‌فرماید: «فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ»؛ «پس شیطان آن دو را به خطا واداشت و از بهشتی که در آن بودند، بیرون راند. گفتیم: "پایین روید، برخی دشمن برخی دیگر و قرارگاه و جای برخورداری شما تا روز قیامت در زمین باشد."» دشمنی از جایی آشکار می‌شود که ما ولایت را کنار بگذاریم. در مسیر پیاده‌روی اربعین دشمنی وجود ندارد؛ چون همه تحت ولایت اهل بیت هستند.

حکومت الهی موعود هم زمانی شکل می‌گیرد

که مردم تربیت و حول ولایت خدا و اهل بیت جمع شوند.

در واقع بهشت واقعی، بهشتی است که اول در قلب‌ها و افکار طلوع می‌کند بعد در زمین، یعنی انسان‌ها باید به بلوغ برسند.

اربعین نماد بلوغ است.

امروز شیعه به بلوغ رسیده که درخت اربعین میوه داده است. در روایات اشاره شده است که زمین تدریجاً برای ظهور آماده می‌شود. باید حجت بر تمام جهان تمام شود. باید همه‌ی مردم دنیا صدای حق را بشنوند. اراده‌ی خدا بر این قرار گرفته که دشمنان از همان جایی که ما را تکذیب کرده و قصد ضربه زدن به ما را داشته‌اند، ضربه می‌خورند. در تفسیر آیه‌ی فوق (آیه‌ی ۳۶ سوره‌ی بقره) در روایات داریم که جبرئیل بر حضرت آدم نازل شد و فرمود: «ای آدم! آیا خداوند تو را به دست خود نیافرید و از روح خود در تو ندید... آیا خداوند تو را فرمان نداد که

از آن درخت نخوری؛ پس چرا فرمان نبردی؟ آدم گفت: "ای جبرئیل! شیطان به خدا سوگند خورد که خیرخواه من است و گمان نمی‌کردم موجودی که خدا او را آفریده، سوگند دروغ به خدا یاد کند." (بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۱۶۱)

حضرت آدم می‌خواست بدون امتحان و ابتلا به مقام امامت برسد، مقامی که حضرت ابراهیم پس از امتحانات دشوار الهی به آن رسید. خدا در مورد آزمون‌های حضرت ابراهیم می‌فرماید: «وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»؛ «(به خاطر آورید) هنگامی که خداوند، ابراهیم را با وسایل گوناگونی آزمود و او به خوبی از عهده‌ی این آزمایش‌ها برآمد. خداوند به او فرمود: "من تو را امام و پیشوای مردم قرار دادم" ابراهیم عرض کرد: "از دودمان من (نیز امامانی قرار بده)" خداوند فرمود: "پیمان من به ستمکاران نمی‌رسد."» (بقره / ۱۲۴)

امام حسین؛ وارث وعده‌های انبیاء

ما همانطور که اموال پدرانمان را ارث می‌بریم، بدهی‌های آنها را نیز به ارث می‌بریم و ادای آن به گردن ماست. انبیاء الهی چیزهایی را بر عهده گرفتند. برای همین، دعای ندبه اینها را ذکر می‌کند.

هر آنچه که انبیاء الهی وعده کردند و از خدا خواستند و فرصت نشد انجام بدهند

به اهل بیت ارث رسید.

از تشنگی مردن اسماعیل ۶ ماهه در بیابان و قربانی شدن او در نوجوانی و... که عملی نشد در انبان حضرت ابراهیم جمع شد. اموری که خدا در قرآن از آنها به عنوان بلای مبین و عظیم یاد می‌کند، امام حسین همه‌ی این وعده‌های محقق نشده را به دوش کشید. در مورد حضرت نوح (آیه‌ی ۷۶ سوره‌ی صافات) می‌فرماید: «وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ»؛ «و او و خاندانش را از اندوه بزرگ رهایی بخشیدیم.» برای همین امام حسین وقتی به کربلا رسید، فرمود: «اعوذ بالله من الكرب و البلاء.»

فلسفه‌ی وضو

در ادامه‌ی داستان حضرت آدم خدا می‌فرماید: «فَوَسَّوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ»؛ «سپس شیطان آن دو را وسوسه کرد تا آنچه را از اندامشان پنهان بود، آشکار سازد

و گفت: "پروردگارتان شما را از این درخت نهی نکرده مگر به خاطر اینکه (اگر از آن بخورید) فرشته خواهید شد یا جاودانه (در بهشت) خواهید ماند." (اعراف / ۲۰)

منظور از «مَلَكَيْنِ» جایگاه است. فرشته نمره‌ی صد خودش است. می‌خواهی فرشته باشی؛ یعنی می‌خواهی صد خودت باشی؟ صد آدم بودن یعنی امامت. حضرت آدم می‌خواست بدون سختی به امامت برسد. پیامبر فرمود: «شیطان حضرت آدم را وسوسه کرد تا به درخت منع شده نزدیک شد و به آن نگاه کرد و آبرویش با این نگاه ریخت؛ آنگاه بلند شد و به سمت درخت رفت و این اولین قدمی بود که به سمت خطا برداشته شد، آنگاه با دست از آن درخت میوه گرفت و خورد در این هنگام زیور و زینت و لباسش ریخت (که خود را با برگ‌های بهشتی پوشاند) آنگاه حضرت آدم دستش را روی سرش گذاشت و گریست؛ پس بر ذریه‌ی او واجب شد که همین اعضا را بشورند.» وضو باطنی دارد. امام خمینی به این امر اشاره می‌کند که طهارت ظاهری، طهارت باطنی و توجه می‌آورد. امام صادق نیز فرمودند: «تطهیر اعضای ظاهری، مقدمه‌ی تطهیر قلوب و روح است.»

از کشتی نوح تا کشتی حسین

در ادامه‌ی دعای ندبه به پیامبر بعدی می‌رسیم: «و بَعْضٌ حَمَلَتْهُ فِي فُلِكَ، وَنَجَّيْتَهُ وَمَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنْ الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ»؛ «و بعضی را در کشتی خود حمل نمودی و او را و هر که همراه او ایمان آورده بود به رحمتت از هلاک شدن نجات دادی.» بنده، طوفان نوح را منطقه‌ای می‌دانم نه برای کل زمین که محل بحث امروز ما نیست. خدا در این طوفان حیوانات را نجات می‌دهد و برخی از انسان‌ها را هلاک می‌کند که فرزند و همسر حضرت نوح از آن جمله‌اند. حضرت نوح اولین پیامبر صاحب شریعت است که هفت فرمان داشت و ماجرای او نقطه‌ی عطف تاریخ است. خدا در بطنِ داستانِ حضرت نوح، ماجرای اهل بیت و امام حسین را بیان می‌کند. پیامبر فرمود: «إِنَّمَا مَثَلُ أَهْلِ بَيْتِي فِيكُمْ كَمَثَلِ سَفِينَةِ نُوحٍ؛ مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ»؛ «مثل اهل بیت من، مثل کشتی نوح است که هر کس سوارش شد نجات یافت و هر کس که از آن باز ماند، غرق گشت.» (إرشاد القلوب، ج ۲، ص ۲۳۳)

اهل بیت کشتی نوح‌اند؛ اباعبدالله به صورت ویژه.

امام صادق فرمود: «كُلُّنَا سَفُنُ النَّجَاءِ وَ لَكِنْ سَفِينَةُ جَدِّي الْحُسَيْنِ أَوْسَعُ وَ فِي لُجَجِ الْبَحَارِ أَسْرَعُ»؛ «همه‌ی ما اهل بیت کشتی‌های نجاتیم؛ ولی کشتی جدم حسین علیه‌السلام وسیعتر و در عبور از امواج سهمگین دریاها سریعتر است.» (بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۳۲۲)

این نیست که امام آدرس باشد که خدا بگوید بروید علی بشوید. نه! اهل بیت اولاً مصباح‌الهدی (چراغ هدایت) هستند مانند فانوس دریایی که باید به سمت آن برویم تا ساحل نجات را پیدا کنیم و هم سفینه‌النجات‌اند؛ یعنی هم به ما آدرس می‌دهند و هم ما را به مقصد می‌رسانند.

آری! تنها مسیر هدایت برای تمام انسان‌ها، امام حسین است.

پیام آیه‌ی ۱۸۵ سوره‌ی بقره نیز قابل توجه است، خدا می‌فرماید: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ»؛ «ماه رمضان که در آن برای راهنمایی مردم و بیان راه روشن هدایت و جدا ساختن حق از باطل، قرآن نازل شده است.» این آیه سه نکته دارد. به دلیل همراهی این سه موضوع با هم فکر کرده‌اید؟ در ابتدا خدا یک هدایت برای کل انسان‌ها دارد. یک رحمت و اسعه بر مبنای رحمانیت خود (چون رحیمیت خدا مخصوص مؤمنان است). این هدایت با بازی‌های درونی و فطری ما آمیخته شده است. اگر فرد به این هدایت عمل کرد به مرحله‌ی بعد یعنی «بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ» می‌رسد. این هدایت دیگر روشن و قطعی است و شکی در آن نیست و بعد فرد به فرقان می‌رسد و می‌تواند حق را از باطل تشخیص بدهد و از هم جدا کند. هدایت اباعبدالله هر سه این موارد است. گاندی هندو و گل‌سرخی مارکسیست، امام حسین را الگوی خود می‌دانند تا برسد به ما که امام برای هر کدامان نشانه‌های جدا می‌فرستد. اساساً مسیر هدایت امام حسین روشن است. امام حسین آمده تا ما را از گمراهی و جهالت نجات دهد و در این راه خون درون قلب خود را نیز بذل کرد و حجت را بر همه تمام کرد (زیارت اربعین).

هدایت‌شدگان هدایتگر

ما باید در مرحله‌ی اول، هدایت را از امام بگیریم؛ سپس خود ما رسالت پیدا می‌کنیم که این هدایت را گسترش بدهیم.

امام حسین یک فرد نیست، یک جریان است.

باید هدایت را سرایت بدهیم. باید حواسمان به برادر دینیمان باشد. این هدایت یک طرفه نیست؛ ظرف نیست که در خودت نگه داری به اندازه‌ی بهره‌ات از این هدایت باید دیگران را بهره‌مند کنی. باید مستانه در مسیر هدایت و ولایت رشد کنیم. امام حسین کشتی نجات است، ما لااقل قایق نجات باشیم. باید از هم سبقت بگیریم. باید نیت‌هایمان را اصلاح کنیم و دغدغه‌ی هدایت مردم را داشته باشیم. همانطور که امام حسین تا آخرین لحظه دغدغه‌ی هدایت دشمنانش را داشت. مبادا از سرزنش شدن و هزینه کردن در این راه بترسیم. نور اصلی خداست، اوست که هدایت می‌کند؛ پس از آن اهل‌بیت‌اند و پس از آن مؤمنان و خود ما هستیم که باید هدایتگر

باشیم. باید چراغِ راهِ مردم و اثرگذار باشیم. ما به اندازه‌ای که از ولایت اهل بیت بهره می‌بریم، هدایت داریم و درجه‌ای از عصمت کسب می‌کنیم. بله! عصمت مراتب دارد. مرحله‌ی بعضی از گناهان برای خیلی از ما رد شده است و حتی به آن گناه فکر هم نمی‌کنیم. علی بن یقین که از یاران خاص حضرت موسی بن جعفر و وزیر نفوذی هارون بود؛ اما به دلیل کوتاهی در حق یکی از مؤمنان از دیدار امام در حج محروم شد. وقتی دلیل این محرومیت را شنید به در خانه‌ی آن فرد رفت و او را راضی کرد و وقتی خدمت امام رفت، امام او را با آغوش باز پذیرفتند. ما چطور هستیم؟ آیا برای مؤمنین وقت می‌گذاریم؟ آیا حاضریم برای دین هزینه کنیم؟ ما باید شبیه اهل بیت شویم؛ البته وقتی رتبه می‌گیریم به ما مأموریت هم می‌دهند و باید به دیگران رسیدگی و از آنها دستگیری کنیم.

**اگر در گردنه‌های دنیا از دیگران دستگیری کردیم
از عقبه‌ی آخرت نجات پیدا می‌کنیم و الا آنجا گیر می‌کنیم.**

حجاب‌های سه‌گانه

خدا در مورد کنار زدن اهل بیت می‌گوید: «أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ»؛ «یا همچون ظلماتی در یک دریای عمیق و پهناور که موج آن را پوشانده و بر فراز آن موج دیگری و بر فراز آن ابری تاریک است؛ ظلمت‌هایی است یکی بر فراز دیگری، آنگونه که هرگاه دست خود را خارج کند، ممکن نیست آن را ببیند و کسی که خدا نوری برای او قرار نداده، نوری برای او نیست.» (نور / ۴۰)

مراد از موج اول، اولین غاصب است؛ مراد از موج دوم، دومی و مراد از سحاب، بنی‌امیه است که ظلمت ایجاد کردند و مراد از این دست، دست خدا (ید الله) و حکومت کوتاه امیرالمؤمنین است. این ظلمت و تاریکی تا ظهور همه جا را می‌گیرد. این سه فرد، نماد سه عنصر فریب و جهل و ظلمت بودند. اولی نماد تزویر است و در روایات با عنوان روباه از او یاد شده، دومی نماد زورگویی بود و دائماً شلاق به دست بود و سومی نماد زر بود. تزویر و زور و زر؛ چون اینها به منبع نور (اهل بیت) نزدیک بودند در تقابل با نور سایه‌ای ایجاد کردند که ظلمت آن، دنیا را گرفت.

ما باید از این حجاب‌های سه‌گانه (تزویر و زور و زر) عبور کنیم تا اهل نجات شویم.

نصرت الهی

ماجرای کشتی نوح این است؛ یعنی در دریای طوفانی باید سوار کشتی هدایت اهل بیت و امام حسین که وسیعتر و سریعتر است، باشیم تا به نجات برسیم. حضرت نوح سالها تکذیب شد و آزار دید تا فرمان حرکت کشتی آمد و به خدا گفت: «قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبْتَنِي»؛ «ای پروردگار من اکنون که تکذیب می‌کنند، یاریم کن.» (مؤمنون / ۳۹)

معنای لطیفی در این حرف نهفته است، گفت: «خدایا مرا یاری کن از همان جایی که مرا تکذیب می‌کنند.» این امر را در ماجرای امام حسین ببینید. تنهاترین مرد تاریخ که در گودالی محاصره‌اش کرده‌اند. هرکس با هرچه می‌تواند او را می‌زند. چنان تنهاست که از شهدا کمک می‌طلبد؛

اما امروز شما می‌بینید بزرگترین اجتماع بشری در حمایت از این آقای تنها و غریب است.

سخنرانی استاد رائفی پور

موضوع: تفسیری بر دعای ندبه (جلسه سیزدهم)

خلاصه و چکیده سخنرانی استاد رائفی پور، شهریور ۱۴۰۱ مسیر نجف به کربلا

تهیه شده در واحد مهدویت مؤسسه مصاف، مهدیاران [@Mahdian](https://www.instagram.com/Mahdian)